

نگاهی به تاریخچه شیواپرستی در دین هندویی: خاستگاه، تحول و مکاتب آن

فتح‌الله مجتبایی*

پریا الیاسی**

چکیده

شیواپرستی از گرایش‌های مهم دین هندویی است که پیروان بسیاری را به خود اختصاص می‌دهد. این گرایش بر پرستش شیوا، خدای کهن که مفاهیم متباینی را در خود دارد، متمرکز است. شیوا خدایی پیش از آریایی است که در طی گذاری نسبتاً طولانی، از تمدن پیش آریایی تا دین هندویی متأخر، جایگاه ویژه‌ای در دین هندویی به دست آورد. این سیر تحول با توجه به متون مقدس اصلی هندو قابل درک است. افزون بر این، می‌توان مشاهده کرد که بقایای فرهنگ تمدن باشکوه پیش از آریایی، به‌ویژه تمدن شهرهای موهنجودارو و هاراپا، که پس از استیلای اقوام هندواروپایی و انقراض تمدن‌های شهرنشین آن دیار به کلی محو نشده بود و در قشرهای پایین و پست جامعه دینی هند و در میان اقوام بومی دراویدی‌نژاد آثاری از آن باقی مانده‌بود، رفته رفته سر برآورد و بسان مکتب یوگا و شیواپرستی، ارکان مهم دین هندویی امروز را تشکیل داد. شیواپرستی اشکال نظام‌مند بیشتری در فرقه‌های شیوایی به خود می‌گیرد که هر یک با وجود برداشت متفاوت خود، اصول اعتقادی ویژه‌ای دارند.

کلید واژه‌ها

رودره، شیوا، تمدن دره سند، شکتی، پشوپتی، بهکتی.

*. استاد واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

** دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

پژوهشگران، دین و ادبیات دینی کشور هند را پس از هجوم اقوام آریایی به چندین بخش تقسیم می کنند: الف- دوره ودایی^۱ (۱۵۰۰ تا ۶۰۰ ق.م)؛ ب- دوره حماسی^۲ (۶۰۰ ق.م تا ۲۰۰ م)؛ ج- دوره سوتره‌ها^۳ (که از سده دوم میلادی آغاز می شود)؛ د- دوره مدرسی^۴ (این بخش نیز از سده دوم میلادی آغاز می شود). از دوره قبل از ودایی اطلاعات دقیق و مکتوبی در دست نیست و آنچه که از این دوران می دانیم بر اساس کشفیات سال‌های اخیر (۱۹۲۱ م. به بعد) در دره سند است. پژوهشگران با بررسی این کشفیات دریافتند که اقوامی که پیش از این در موهنجودارو، در دره سند و هاراپا، در پنجاب کنونی می زیسته اند، از تمدن غنی و نسبتاً پیشرفته‌ای برخوردار بودند و خدایان نرینه و مادینه‌ای داشتند که تصویر آنان را بر روی مهرهایی حکاکی می کردند و یا به صورت تندیس‌های کوچکی به عنوان نماد باروری مورد ستایش قرار می دادند. این تمدن با هجوم اقوام آریایی از نواحی شمالی، در آغاز دوره ودایی سرکوب شد. آریاییان این قوم مغلوب را به دیده تحقیر می نگریستند و بدیهی است که در ادبیات خویش نیز شأنی برای خدایان بومی آنها قائل نبودند.

از ویژگی‌های دین آریاییان در دوره ودایی، می توان به پرستش خدایانی که اغلب تشخص^۵ قوای طبیعت و عوامل مؤثر در زندگی بودند، و همچنین توجه بی اندازه به آیین‌ها و مناسک دینی، به ویژه آیین قربانی، اشاره کرد. بازتاب اوضاع و احوال دینی این دوره را می توان در سرودهایی که در چهار مجموعه ریگ ودا^۶، سامه ودا^۷، یجورودا^۸ و اتهروه ودا^۹ گرد آمده است، و نیز در شروح و تفاسیر این وداها موسوم به براهمنه‌ها^{۱۰} و آرنیکه‌ها^{۱۱}، ملاحظه نمود. در نهایت، این آیین گرایی با واکنش گروهی از ژرفاندیشان هندی مواجه شد، که از یک سو

1. Vedic period
2. Epic period
3. Sūtra period
4. Scholastic period
5. personification
6. *Rgveda*
7. *Sāmaveda*
8. *Yajurveda*
9. *Atharvaveda*
10. *Brāhmanas*
11. *Āraṇyakas*

سبب پیدایش دین بودایی و جایی گردید و از سوی دیگر ادبیاتی را به وجود آورد که سرشار از معانی ژرف دینی بود و *اوپنیشدها* نام گرفت. اما پس از دوره *اوپنیشدها* که ادبیات آن، خاصاً فرهیختگان جامعه بود و مردمان عامی بهره‌ای از آن نمی‌جستند، دوره دیگری پدیدار شد که در آن، وقایع شگرفی روی داد و چندین جریان فکری مانند آیین و سودوه کریشنا^۱ و کیش بهاگوت^۲ شکل گرفت، که مرحله یکتاپرستی و طریق محبت و عبادت عاشقانه (بهکتی) را عرضه داشتند و در نهایت منجر به ویشنوپرستی شدند. حماسه بزرگ *مهابهارته*^۳ و *رامایانه*^۴ و پاره‌ای از *پورانه‌ها*^۵، ادبیات دینی خاصاً این دوره را تشکیل می‌دهند و به همین سبب، این دوره، دوره ادبیات حماسی نام گرفته است. افزون بر این، بقایای تمدن باشکوه پیش از آریایی، به ویژه تمدن شهرهای موهنجودارو^۶ و هاراپا^۷، که پس از استیلای اقوام آریایی و انقراض تمدن‌های شهرنشین بومی به کلی محو نشده بود، و در قشرهای پایین و پست جامعه دینی هند و در میان اقوام بومی دراویدی‌نژاد آثاری از آن باقی مانده بود، رفته رفته سر برآورد و بسان مکتب سانکھییه و یوگا و شیواپرستی، ارکان مهم دین هندویی امروز را تشکیل داد. همچنین ادیان جایی و بودایی به عنوان واکنشی به پرداختن بیش از حد به آداب و مناسک دینی و به ویژه آیین قربانی سر بر آوردند، که در هر دوای آنها مشخصه‌های پیش از ودایی قابل مشاهده است. در دوره حماسی شالوده کلیه مکاتب فلسفی هندی ریخته شد و در دوره *سوتره‌ها* این مکتب‌ها به صورتی مشخص ظاهر گردید، که در دوره‌های اخیر آنها را در قالب شش مکتب تنظیم کرده‌اند. مراد از *سوتره*، سبک نگارش مبانی فلسفی به صورت ابیات بسیار کوتاه و مختصر است که مطالب را به اختصار و ایجاز هرچه تمام‌تر بیان می‌کند. با بسط یافتن مطالب مختلف فلسفی لازم بود که مطالب اصلی به شکلی در اذهان مردم محفوظ بماند و از این رو، *سوتره‌ها* توانست گامی مؤثر در این زمینه باشد. به هر روی، شش مکتبی که متون آنها در دوره *سوتره‌ها* به صورت *سوتره* نگاشته شد،

1. Vasudeva Kṛṣṇa
2. bhāgavata
3. Mahābhārata
4. Rāmāyaṇa
5. Pūrāṇas
6. Mohenjodaro
7. Harappa

عبارت‌اند از: نیایه^۱، ویششیکه^۲، سانکهیبه^۳، یوگه^۴، میمانسه^۵ و ودانته^۶. دوره بعد معروف به دوره اسکولاستیک است که از سده دوم میلادی آغاز می‌شود و تا سده پانزدهم و شانزدهم ادامه می‌یابد. ادبیات فلسفی در این زمان به صورت مجادلات و مشاجرات نوشتاری درآمد و نظراتی بس بدیع و ارزنده ابداع گردید و شیوه تعقل و استدلال عقلی، بر اثر رقابت همه جانبه مکاتب یاد شده بسط و ترویج یافت. حکمای بزرگی چون شنکره، رامانوجه و ناگارجونه در این دوره ظاهر شدند.^۷

پیشینه شیوا پرستی

سکه‌ها و سنگ‌نبشته‌هایی که شواهدی از ستایش شیوا به دست می‌دهند، اغلب به دوره کوشان‌ها^۸ (قرن اول و دوم میلادی) و مهمتر از همه به دوره گوپتاها^۹ (۳۰۰-۵۵۰ میلادی) مربوط‌اند. گرچه امپراتوران گوپتا، بیشتر ویشنوپرستی را ترجیح می‌دادند، ولی از معابد شیوا نیز حمایت می‌کردند. از حدود قرن هفتم میلادی، شیواپرستی به جریان دینی غالب در جنوب هند تبدیل گردید و تا حد زیادی جایگزین دین جاینی^{۱۰} و دین بودایی شد و با موفقیت با ویشنوپرستی رقابت کرد. سلسله‌های جنوبی همچون پلوه‌ها^{۱۱}، چوله‌ها^{۱۲} و چالوکیه‌ها^{۱۳}، همگی حامیان شیواپرستی بودند.^{۱۴}

در جنوب هند، معابد هندویی از قرن دهم تا دوازدهم تحت حکومت شاهان چوله، و در بنگال^{۱۵} از قرن نهم تا دوازدهم تحت سلطه سلسله پاله^{۱۶} گسترش یافتند. هرچند شیوا

-
1. Nyāya
 2. Vaiśeṣika
 3. Sāṃkhya
 4. Yoga
 5. Mīmāṃsā
 6. Vedānta
 7. Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, vol. 1, Delhi, 1998, p. 63ff.
 8. Kushans
 9. Guptas
 10. Jainism
 11. Pallavas
 12. Cholas
 13. Cālukyas
 14. Lorenzen, David, "Śaivism", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p. 9.
 15. Bengal
 16. Pāla

بیشتر به وسیله گاو نندی^۱ و نشان اندام تناسلی مردانه و زنازه یعنی لینگا و یونی^۲ نشان داده می‌شود، اما نماد پرستش شیوا در معابد اصلی سلسله‌های چوله، پاندیه^۳ و پللووه، لینگا^۴، است.

دو نماد اولیه لینگا و یونی در قرن اول پیش از میلاد مشاهده شده‌اند، و یکی از آنها که متعلق به منطقه بهیته^۵ است، اکنون در موزه لکهنو^۶ نگهداری می‌شود و دیگری به‌تازگی در گودیلام^۷، در آرکات شمالی^۸ کشف شده است. اگرچه این دو نماد در واقع به شکل اندام تناسلی مرد و زن ساخته می‌شوند، اما مردمان بومی هند به این موضوع به‌گونه دیگری می‌نگریستند و از آن احساس شرمندگی نمی‌کردند. «شیوا» و «شکتی»، یا «پوروشه»^۹ و «پرکرتی»^{۱۰}، دو اصل مولد جهان، و پدر و مادر همه موجودات، به شکل لینگا و یونی نمادپردازی شده‌اند.^{۱۱}

پرستشگران شیوا، که این خدا را در شکل لینگا مورد ستایش و تکریم قرار می‌دهند و به لینگایت‌ها^{۱۲} مشهوراند، بیشتر در جنوب بمبئی، بلگانوم^{۱۳}، بیجاپور^{۱۴} و دهانوار^{۱۵} زندگی می‌کنند، ولی پرستش‌کنندگان شکتی، یا جنبه مؤنث و خلاقه شیوا، بیشتر در بنگال^{۱۶} سکونت دارند، جایی که اکثریت برهمنان^{۱۷}، شکتی پرست‌اند. آنان جمعیت همچنین در شمال بیهار^{۱۸}، گجرات^{۱۹} و مَراته^{۲۰} نیز پراکنده‌اند. پرستش شکتی، یا قوه مؤنث شیوا، در تتره‌هایی که به ویژه

1. Nandi
2. yōni
3. Pāndya
4. Liṅga
5. Bhita
6. Lakhno
7. Gudimallam
8. N.Arcot
9. Puruṣa
10. Prakṛti
11. Frazer, R.W., "Śaivism", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburgh, 1980, vol. 11, p. 92.
12. lingayats
13. Belgaum
14. Bijapur
15. Dhānvār
16. Bengal
17. Brāhmans
18. Bihār
19. Gujarāt
20. Marātha

مربوط به بانو خدایانی با نام‌های آننده - بهیروی^۱، تریپوره سونداری^۲ و للیتا^۳ می‌باشند، به صورت ورد خواندن و ذکر گویی انجام می‌شود. این شکل پرستش، چکره پوجا^۴ نام دارد، که بیشتر در حلقه‌های عارفانه مشاهده می‌شود. بنابراین شیوا تابع شکتی خود است و مطلوب هم این است که مادر بودن، عنصر اصلی آفرینش باشد. اصول اعتقادی شکتی پرستان بر این امر استوار است که از طریق شیوا و شکتی قطره‌ای با نام «بندو»^۵ شکل گرفته و در عنصر مؤنثی به نام «ناده»^۶ (صوت) بسط یافته است و اسامی همه آنچه را که باید آفریده شود، در خود دارد. به واسطه «بندو» و «ناده»، عناصر مذکر و مؤنث باهم ارتباط پیدا کردند، چنانکه از ترکیب آنها جوهری به نام کامه کلا^۷ (قدرت عشق) شکل گرفت و این جوهر، منشأ آفرینش موجودات دیگر شد.^۸

واژه شیوا لینگا^۹ در هند، برای هر فردی متعلق به هر طبقه‌ای بسیار آشنا است و هرکس با شنیدن این واژه بلافاصله معنای صحیح آن را در می‌یابد. بنارس، یکی از شهرهای مقدس هندوستان، نه تنها به سبب معبد مقدس ویشو ناتَه^{۱۰}، بلکه همچنین به سبب داشتن میلیونها «شیوا لینگا» مشهور است. به سبب دشوار بودن رفتن به کوه کِیلاسه^{۱۱} و برف پوش بودن قله آن، پس از این کوه، شهر بنارس مقدس‌ترین مکان نزد شیوا پرستان به شمار می‌آید. جایگاه آدی لینگا^{۱۲} (یعنی لینگای اول) یا اویموکتیشوره لینگا^{۱۳} (لینگای شهر بنارس) که مشهورترین لینگا است، در این شهر است. لینگاهای مقدس از همه نقاط هند به

1. Ananda- Bhairavi
2. Tripura Sundari
3. Lalita
4. Chakrapujā
5. Bindu
6. Nāda
7. Kāmakalā
8. Avalon, Arthur, *Hymns to the Goddess*, Madras, 1952, Pp. 3-10; Dasgupta, S., *A History of Indian Philosophy*, Delhi, 2000, vol. 5, Pp. 28-30.
9. Śivaliṅga
10. Viśvanātha-temple
11. Kailāsa mountain
12. Ādiliṅga
13. Avimukteśvaraliṅga

این شهر آورده شده‌اند و به همین سبب، روز به روز بر قداست و شهرت این شهر افزوده شده است.^۱

در شخصیت خدای شیوا، قدرت‌ها و ویژگی‌های متباینی همچون باروری و ریاضت، خلق و افنا، خیر و شر، آریایی و ماقبل آریایی، با یکدیگر آمیخته‌اند. تا آنجا که می‌دانیم، نمونه‌ی مثالی شیوا در تمدن دره‌ی سند هم خدای حیوانات (پشو- پتی)^۲ و هم پروردگار مرتاضان (یوگه- راجه)^۳ بوده است. شیوا از یک سو، به نیروهای حیات، و از سوی دیگر به نیروهای که به رهایی از قید حیات منجر می‌شوند مربوط می‌گردد. از دیدگاه برخی پژوهشگران، در سرودهای ودایی شیوا نام و عنوان دیگر رودره است. او نماد الحاق دو فرهنگ به شمار می‌آید. همسر او کالی، گردنبندی از مجموعه‌ها به خود می‌آویزد، نماد زمان (کاله)^۴ است که همه چیز را با خود می‌برد.^۵ در عین حال، شیوا از جنبه‌ای دیگر همچنین خدایی است که با ریاضت و یوگا همراه است. او یوگی بزرگ است که عالم با نیروی مراقبه‌ی او بر پا نگاه داشته می‌شود. شیوا خدای رقص (نته - راجه)^۶ نیز هست و به‌عنوان خدای رقص، عالم را با رقص خود می‌آفریند و نگه می‌دارد. خداوند صرفاً با تجلی شخصیت فیض بخش خویش، عالم هستی را به طرب بر می‌انگیزد، اما درست به همانگونه که هر رقصنده‌ای خسته می‌شود، شیوا نیز در دوره‌هایی دست از فعالیت می‌کشد. در این هنگام، کیهان آشفته می‌شود و به دنبال دوره‌ی آفرینش، عصر تباهی فرا می‌رسد. پس شیوا هم خلق‌کننده و هم ویران‌کننده است.^۷

خاستگاه شیوا

بحث درباره‌ی خاستگاه شیوا پرستی به طور سنتی با بررسی مَهرهایی از پشوپتی^۸ نخستین، که مربوط به تمدن کهن پیش از آریایی دره‌ی سند پاکستان می‌شود، آغاز می‌گردد. در برجسته‌ترین این مهرها، موجودی شبه انسانی با اندام تناسلی مشخص، مشاهده می‌شود که در سکوی کم

1. Siddhatashastree, *Śaivism through the Ages*, New Delhi, 1974, p. 87.

2. pśau-pati

3. yoga-rāja

4. Kāla

5. Zimmer, Heinrich, *Philosophies of India*, New York, 1951, p.141.

6. nata- rāja

7. Zimmer, H., p. 577.

8. Paśupati

ارتفاعی در حالی شبیه به یوگا، در حالی که پاشنه پاهایش در ناحیه لگن به هم می‌رسند، نشسته است و در اطراف او برخی حیوانات چون فیل و ببر نیز دیده می‌شوند. بسیاری از پژوهشگران، بر اساس فرضیه جان مارشال^۱ باستان‌شناس، و با توجه به اینکه شیوا هم خداوند یوگا (یوگه - راجه)^۲ و هم نگهبان جانداران (پشویتی) لقب دارد، هویت این تصویر را به عنوان خدای شیوا پذیرفته‌اند.

در تصویر موجود شبه انسانی، شاخ گاومیش بر مفهوم نمادین قدرت دلالت دارد، و احتمالاً این موجود، مانند گاو در نماد پردازی تمدن بین‌النهرین، نماینده قدرتی حاکم و برتر است. از آنجا که او ظاهراً مذکر است، می‌توان پنداشت که فرمانروایان دره سند مرد بوده‌اند، همچنانکه نمونه‌های پیکره‌های موهنجودارو نیز بیانگر این مطلب می‌باشند. با این همه، مردم دره سند قدرت حقیقی را از آن ایزد بانوان می‌دانستند و از نظر آنان، فرمانروایان تنها جانشینان ایزدبانوان بوده‌اند که قدرت خود را از آنان دریافت می‌کردند.^۳ علاوه بر این، تندیس‌های جالب توجه دیگری نیز وجود دارد که الهه مادری را نشان می‌دهند. این تندیس یادآور نگاره‌های مشابه در ادیان مدیترانه‌ای و خاورمیانه‌ای، و نمادی از باروری طبیعت است، که در دین هندوی متأخر بار دیگر به صورت شکتی ظاهر گردید.^۴

فرضیه‌های مختلفی در مورد خاستگاه شیواپرستی مطرح شده است. به گفته اب. کیت (۱۹۲۵) در کتاب *دین و فلسفه و دها و اوپنیشدها*^۵، کوشش برای تمیز دادن میان عناصر آریایی و غیر آریایی در رودره- شیوا، اساساً بی‌ثمر است. شخصیت این خدا به واسطه فرایند رشد و تحول دائمی، که در نتیجه یکی شدن خدایان کوچک دیگر (چه آریایی و چه غیر آریایی) با رودره ودایی است، شکل گرفته است. یان خندا^۶ به پیوستگی بنیادینی میان رودره ودایی و شیوای بعد از ودایی، و به طور کلی میان دین ودایی و بعد از ودایی قائل است. او اشاره نکردن به بسیاری از جنبه‌های این خدا در ادبیات ودایی را به‌طور کلی

1. John Marshall

2. yoga-rāja

3. Hopkins, Thomas J. and Hildebeitel, Alf, "Indus Valley Religion", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.7, p. 222.

4. Zimmer, H., p. 142.

5. Keith, A. B., *The Religion and Philosophy of the Veda and Upanishads*, Westport, 1971, vol. 1, p. 31.

6. Jan Gonda

مربوط به تعصّب طبقاتی نویسندگان برهمنی می‌داند که بسیاری از خدایان مربوط به توده مردم را نادیده می‌گرفتند یا در نوشته‌های خود راه نمی‌دادند. از سوی دیگر، لوئی رنو^۱ معتقد است که شکافی قطعی میان وداگرایی و دین هندویی وجود دارد. او به فقدان ارتباطی آشکار میان وداها و تمدن اولیه سند اشاره می‌کند و البته امکان وجود ارتباط میان دین دره رود سند و دین هندویی متأخر را می‌پذیرد. رن. دندکر^۲ با بی‌پروایی از دین وداها به‌عنوان «میان پرده‌ای» بین دین هندویی پیش از وداها و دین بعد از آن یاد می‌کند.^۳

اکنون آشکار است که شکافی پانصد ساله و شاید بیشتر، میان پایان مرحله کمال تمدن دره رود سند (حدود ۱۸۰۰ پیش از میلاد) و سرودهای ریگ ودا (حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد) وجود دارد و همچنین روشن است که دین هندویی، برخلاف دین ودایی، و در کنار ادیان بودایی و جایی و کیش‌های غیر ودایی دیگر، در حاشیه دره رود گنگ^۴ (اوتر پردیش^۵، بنگال و بیهار^۶) رشد نمود. پیدایش این جنبش‌های جدید با گذار از اقتصادی مبتنی بر شبانی توأم با زراعت، به کشت و کاری مبتنی بر محصولات غله‌ای و یکجانشینی، و همچنین با تحولی سیاسی و تغییر حکومت قبیله‌ای کوچ‌نشین، به پادشاهی‌ای با قلمروهایی که به وضوح تعیین حدود شده بود، مرتبط بوده است. این تغییرات تاریخی به همان اندازه بر وجود تغییرات فرهنگی و دینی چشمگیر دلالت ضمنی دارد.^۷

خدای رود در وداها

همانگونه که پیشتر بیان شد با هجوم اقوام آریایی و استقرار آنها در شبه قاره هند، تمدن و فرهنگ آریایی گسترش یافت و دوره ودایی آغاز گردید. ادبیات این دوره شامل سرودهایی است که در مجموعه‌هایی با نام ریگ ودا، یجورودا، سامه ودا و اتهروه ودا گرد آمده‌اند. که هر ودا به دو گروه سمهیتا^۸ یعنی مجموعه سرودها، و براهمنه‌ها، که شامل تفاسیر سرودهای وداها

1. Louis Renou
2. R. N. Dandekar
3. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 7.
4. Ganges River
5. Uttar Pradesh
6. Bihār
7. Lorenzen, D., "Śaivism", Pp.7-8.
8. *Samhitā*

می‌باشد، تقسیم شده است. از سوی دیگر، *براهمنه‌ها* هم به دو گروه *آرنیکه‌ها*، که مربوط به عبادت و نیایش و مناجات هستند، و *وینیشداها*، که مربوط به حکمت الهی و طریق وصول به معرفت حقیقی می‌باشند، تقسیم شده است.

رودره ودایی خدایی خشم آلود است که هم مسبب و هم فرونشاندۀ طوفان‌ها و بیماری‌ها می‌باشد.^۱ در دوران ودایی نخستین، رودره به صورتی مبهم و تشخیص نبروهای ویرانگر طبیعت چون طوفان، صاعقه و... تصور شده است.^۲ در یکی از سرودهای ریگ ودا (کتاب ۱، سرود ۱۱۴، بند ۸) خطاب به رودره چنین آمده است:

«از خشم خود به فرزندان و نوادگان ما، به مردم و احشام ما و خانه‌های ما
آسیب مرسان، و مردان قهرمان ما را از غضب خود هلاک مکن، ما با
پیشکشی‌های خود همواره به درگاه تو متوسل می‌شویم.»

تنها در چهار سرود از ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا، رودره مورد خطاب واقع شده است، گرچه بارها تحت عنوان پدر ماروت‌ها^۳ (خدایان طوفان‌ها) و یا تحت عنوان ویشوَه دوه‌ها^۴ (همه-خدایان) به او اشاره شده است.^۵ اسطوره مربوط به او، در مقدس‌ترین و کهن‌ترین متن هندی، یعنی ریگ ودا اینگونه نقل شده است: در ابتدای زمان، رودره به شکل یک شکارچی وحشی ظاهر شد و در حالیکه نیزه مشتعل خود را به سمت آفریدگار (پرچاپتی) نشانه گرفته بود، با دختر باکره او، با نام سپیده دم (اوشس)^۶، معاشقه نمود. هردوی آنها به شکل بزکوهی بودند. به سبب پاره شدن فضای نامتمایز اطراف آفریدگار مطلق، تعدادی از تخمه‌های او، که پیش از این توسط رودره (به‌عنوان آتش (اگنی) آماده شده بود تا انسان از آنها به وجود آید، به زمین افتاد و رودره نیز با پرتابه‌های خود، نتوانست از افتادن آنها

1. Lorenzen, D., Pp. 7-8.

2. Bhandarkar, Sir R. G., *Vaiṣṇavism, Śaivism, and Minor Religious Systems*, Varanasi, 1965, p. 102; Frazer, R.W., p. 91.

3. Māruts

4. Viśvadevas

5. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 8.

6. Uśas

جلوگیری کند. از آنجا که زمان آغاز شده بود، پرجاپتی وحشت زده، رودره را به‌عنوان خداوندگار حیوانات منصوب کرد (ماتیراتنی سمهیتا ۴،۲،۱۲).^۱

سرودهای ودایی گرچه اشاراتی مختصر به اسطوره رودره دارند، اما القابی که به او نسبت می‌دهند و حالتی را که به هنگام دعا به درگاه او بیان می‌کنند، تصویری واضح از شخصیت اصلی او به‌دست می‌دهند. در این سرودها، سُراینندگان از رودره درخواست می‌کنند که مهربان باشد و چون کسی گردد که فراخواندنش آسان است، گاوها و انسان‌ها را نکشد، آدمیان را کامیاب کند و از بیماری‌ها برهاند.^۲ رودره اغلب به صورت گاو نر قهوه‌ای رنگ و هولناک توصیف شده است. او سلاحی تیز، آذرخش و تیرهای تندرو دارد. گیسویی بافته (کپردین)^۳ دارد و دارویی آرامش‌بخش مهیا می‌کند.^۴

در بندهای متفاوتی از سرودهای ود/ها، رودره با خدای آتش (اگنی) یکی شناخته شده است. برای نمونه می‌توان به بند یکم از سرود صد و چهاردهم کتاب اول ریگ ودا اشاره کرد که در آن رودره، کپردین توصیف شده، که بدون شک نشانگر شعله‌های آتش است. اگرچه او در دو سرود، با سومه^۵، خدای نوشیدنی سُکرآورِ قربانی نیز مرتبط است، اما ارتباط اصلی او به طور کلی با اگنی^۶، خدای آتش می‌باشد.^۷

ارتباط رودره با آیین قربانی نیز دارای اهمیت است. اساساً به نظر می‌رسد که در قربانی‌های سنتی ودایی سهمی برای رودره در نظر گرفته نشده است. از این رو، او باید سهم خود را از پیشکشی‌ها می‌گرفت، سهمی که گاهی به عنوان سهم «باقی مانده»^۸ توصیف می‌شد. این موضوع در اسطوره‌شناسی سنتی دین هندویی، به ستیزه شیوا با پدرِ همسرش، یعنی برهمنی به نام دکشه^۹ تبدیل شده است که در این ستیزه، شیوا قربانی او را از بین می‌برد، زیرا برای بهره‌گیری از آن قربانی دعوت نشده بود. شیوا سر دکشه را از بدنش جدا

1. *Maitrāyaṇi-saṃhitā*, cited in Kramisch, Stella, "Śiva", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, Pp. 338-339.

2. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 8.

3. kapardin

4. Gonda, J., *Viṣṇuism and Śivaism: A Comparison*, Delhi, 1970, p. 2.

5. Soma

6. Agni

7. Bhandarkar, Sir R.G., p. 103.

8. ucchiṣṭa

9. Dakṣa

می‌کند و سر بُزی (حیوان مخصوص قربانی) را در جای سر بریده او قرار می‌دهد. این اسطوره نشان می‌دهد که رودره در عقاید مردم بومی ریشه دارد و اصل آریایی و برهمنانه ندارد.^۱

در سرودهای شته - رودریه^۲، که بخشی از یجورودا است، خدای رودره با نام‌های بسیاری مورد خطاب قرار می‌گیرد: به درگاه رودره دعا می‌شود که خدایی مبارک و خجسته باشد و شنکره^۳ یا مهربان، و شَمبهو^۴ یا بی‌آزار شود. این سرودها رودره را به‌عنوان بهوه^۵ یعنی ازلی و آفریدگار، و شروه^۶، یعنی ویرانگر یا تیرِ هلاک انداز می‌ستایند. یکی از عنوان‌هایی که در این سرودها برای رودره به کار رفته، صفت شیوا است، البته به معنای «خجسته» یا «مبارک»، که این عنوان پس از آن در *واجسنیی سمهیتا*^۷ و در *آتَهروه ودا* و *آیتَریه*^۸ و *سمکهایتیه براهمنه*^۹، صفتی شاخص برای رودره می‌شود.^{۱۰}

در *آتَهروه ودا* نیز، رودره با بیانی روشن و آشکار، دارای دو ویژگی متناقض، یعنی خدای مهربان (بهوه) و کُشنده (شروه) توصیف شده است. وی همچنین خدایی است که در دستان خود آذرخش دارد تا گناهکاران را مجازات کند.^{۱۱} در *آتَهروه ودا* (کتاب ۱۱، سرود ۲، بند ۲۲)، از رودره خواسته می‌شود که پرستش‌کنندگان خود را از طالع بد برهاند: «ارواح پلید را که موهایی ژولیده دارند و همواره فریاد می‌کشند، از ما دور کن.»

البته نمی‌توان گفت که رودره از آغاز با شکل هراسناک خود مطرح شده است، زیرا حالت مهربان و لطف‌آمیز او نیز قدمت زیادی دارد. در بخش‌های عمده‌ای از *آتَهروه ودا*، حالت مهربان رودره را می‌توان دید. در این کتاب، رودره به‌عنوان خدایی مهربان، زندگی‌بخش، بخشنده ثروت و سلامت، و محافظ جانداران چهارپا و موجودات زنده دویا

1. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 8.
2. *Śata-Rudriya*
3. Śankra
4. Śambhu
5. Bhava
6. Śarva
7. *Vājasaneyi Samhita*
8. *Aitarēya*
9. *Samkhyāyana Brāhmaṇa*
10. Bhandarkar, Sir R. G., p. 105; Frazer, R.W., p. 91.
11. Gonda, J., p. 37.

توصیف شده است. در یکی از سرودهای دیگر همین کتاب، رودره، بهوتَه پتی^۱ یا محافظ همه جانداران خوانده شده است. دو نام یاد شده او یعنی بهوه و شروه، در دو سرود متفاوت آتَهروه و/ا آمده است، و این درحالی است که در تفسیر بند ۴، سرود ۲۸، کتاب اول آتَهروه و/ا آشکارا بیان شده که خداوند از آن رو که همه چیز از او می آید بهوه، و به سبب ویژگی ویرانگری اش در زمان نابودی شروه خوانده می شود. از آنجا که در ابتدا خلقت صورت گرفته است (زیرا در صورت نبودن خلقت، نابودی و ویرانی معنا ندارد)، پس شکل مهربان و آفریننده رودره پیش از حالت ویرانگر او ظهور کرده است. در ریگ و/ا هم رودره به عنوان خدایی مهربان با ماهیتی محافظ و شفا دهنده دیده می شود. رودره، گانه پتی^۲ (نگهدارنده سرودها)، مدهه پتی^۳ (نگهدارنده آیین ها) و جلاشه بهشجه^۴ (آماده ارائه درمان) می باشد.^۵

خدای رودره در براهمنه ها

براهمنه ها قدیمی ترین متن منثور به زبان سنسکریت اند، که تاریخ تدوین آنها به حدود نیمه اول یا اوایل هزاره قبل از میلاد باز می گردد. واژه براهمنه، به معنای اعمال و آیین های منسوب و مربوط به برهمن است، که معمولاً در رابطه با آیین قربانی گزاری و دایی می باشد. به طور کلی، منظور از براهمنه ها مجموعه تفاسیر و مباحث گردانندگان آیین نیایش، و شیوه اجرای مراسم قربانی است.^۶ هشت نام معروف رودره به همراه دلایلی که براساس آنها این نامها به او داده شده، در قالب تمثیل در شته پتهه براهمنه آمده است.

بنا بر داستانی که در ششمین کتاب شته پتهه براهمنه (سرودهای ۱، ۳، ۹، ۱۷) آمده است، از پرچاپتی (سال) و همسر او پگاه (اوشس^۷)، پسری متولد شد که در آغاز تولد خود آغاز به گریستن کرد. پرچاپتی سبب گریستن را از او پرسید و او پاسخ داد که از اندوه نداشتن نام می گرید. پدر به او گفت: از آنجاییکه بلافاصله پس از تولد گریستی، من تو را رودره (کسی که می گرید) نام می نهم. پسر از نام خود خرسند نشد و دوباره شروع به

1. Bhūtapati
2. Gāthapati
3. Medhapati
4. Jalāṣabheṣaja
5. Siddhatashastree, p. 10.
6. Heesterman, Jan. C., "Brāhmanas and Āranyakas", p. 296.
7. Uṣas

گریستن کرد. پدر نام دیگری یعنی شروَه را بر او نهاد، اما پسر باز هم از نام خود راضی نبود و به گریستن ادامه داد. پس از آن پدر پنج نام دیگر، یعنی پشوپتی^۱، اوگره^۲، آشنی^۳، بهوه^۴ و مهادهوه^۵ را یکی پس از دیگری بر او نهاد و پسر هر بار، ناخرسندی خود را با گریستن اظهار می‌کرد. هنگامی که پدر هشتمین نام یعنی «ایشانه» را برای او برگزید، پسر خرسند شد. از آنجا که این پسر به کوماره^۶ نیز معروف بود، این نام نیز به عنوان نهمین نام او در نظر گرفته شد.^۷

اما چرا گفته شده است که رودره بلافاصله پس از تولد گریست؟ پاسخ به این سؤال چندان دشوار نیست. مشاهده کردیم که رودره با آتش قربانی یکی شناخته شد و بر همه آشکار است که آتش در هر کجا که باشد، هنگامی که شعله‌ور می‌شود با صدایی همراه است. این صدا به گریه رودره تعبیر شده است. فرزندان صداهایی را که هنگام پیشکشی هریک از هدایا به آتش ایجاد می‌شود، صداهای متفاوت گریستن می‌دانند. شروَه اشاره به نامهربانی رودره دارد و با آب یکی شناخته می‌شود، که خسارت بار (سیل، طوفان و...) است. پشوپتی با گیاه یکی شناخته می‌شود، زیرا در حقیقت گیاه نگهدارنده جانوران است. اوگره به یکی از حالات ویرانگر خداوند اشاره دارد و با وایو^۸ یا باد یکی تصور می‌شود. آشنی یا آذرخش نیز دارای نیروی ویرانگر چیرگی‌ناپذیر است. بهوه حالت خلاق و محافظ خداوند است که از ریشه بهوه^۹ (بودن)، مشتق شده و با ابر یکی می‌باشد. نام نهمینی که در شته پتهه^{۱۰} برآهمنه برای رودره آمده، «کوماره» است. معنای لغوی این واژه اشاره به این دارد که خداوند گناهکاران را مجازات می‌کند^{۱۱}. تفسیر دیگر این نام این است که از آنجا که خداوند به دلیل یافت نشدن همتایی برای ازدواج، همواره مجرد است، پس کوماره یا پسر مجرد در نظر گرفته می‌شود.^{۱۱}

1. Paśupati
2. Ugra
3. Aśani
4. Bhava
5. Mahādeva
6. Kumāra
7. Bhandarkar, Sir R.G., p. 105.
8. Vāyu
9. Bhū
10. Kuṃ kutsitaṃ mārayatīti kumārah
11. Gonda, J., p. 42; Siddhatashastree, Pp. 13-17.

رودره در اوپنیشدها

با بسط یافتن مراسم عبادی، و خشک و بی‌روح شدن آن، و نیز با استیلای طبقه برهمنان، به تدریج واکنشی نسبت به این مراسم پدید آمد و با ظهور اوپنیشدها، که بدون تردید ارزنده‌ترین آثار معنوی هند می‌باشند، شیوه تفکر درونی شکل گرفت و قربانگاه به پیکر آدمی، و قربانی به حیات او برای رسیدن به حقیقت اصلی مبدل گردید. تفاوت عمده‌ای که اوپنیشدها نسبت به سایر متون هندی دارند، توجه به باطن است. در واقع اوپنیشدها به مراسم پیچیده‌ای که در ود‌ها به آن تأکید بسیار می‌شد، توجهی نشان نمی‌دهند و دغدغه اصلی در آنها کسب معرفت و دانش است. به همین سبب اوپنیشدها را «جنانه مارگه»^۱ یا طریق معرفت می‌نامند، که در مقابل «کرْمه مارگه»^۲ یا طریق عمل، یعنی جنبه آیینی و عملی دین هندویی قرار دارد.^۳

خدای رودره - شیوا، نخستین بار در شوتاشوتَره اوپنیشدها^۴ موضوع پرستش یکتاپرستانه قرار می‌گیرد. از این متن، اغلب به‌عنوان بهگود گیتای شیوایی^۵ یاد می‌شود. شوتاشوتَره یکی از اوپنیشدهای ودایی است که تاریخ آن احتمالاً به حدود قرن ششم پیش از میلاد بازمی‌گردد. در این متن می‌توان شاهد گذار تاریخی از وداگرایی به دین هندویی بود. در این اوپنیشدها، رودره به‌عنوان «خدای یکتا» (اکه دوه^۶)، فرمانروا، و علت وجودی تمام موجودات و خود برهمن توصیف می‌شود، و با نام‌هایی چون: هرَه^۷، ایشه^۸، مهاپروشه^۹، ایشانه^{۱۰}، بهاگوت^{۱۱}، شیوا و مهشوره^{۱۲} مورد خطاب قرار می‌گیرد.^{۱۳} به این ترتیب، در این مرحله شیوا یکی از

1. jñāna mārga
2. karma mārga
3. Dasgupta, S., vol. 5, p. 23.
4. Śvetāśvatara Upaniṣad
5. Śaiva Bhagavadgītā
6. Eka deva
7. Hara
8. Īśa
9. Mahāpuruṣa
10. Īśāna
11. Bhāgavat
12. Maheśvara
13. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 8.

عناوینی است که برای رودره به کار می‌رود و به معنی خجسته است، چنانکه پیش از این نیز، در *ودها* صفت شیوا (فرخنده، مبارک) برای او به کار رفته بود.

در این *اوپنیشد* آشکارا گفته می‌شود که رودره، خدای متعالی و یگانه است و جهان را با نیروی خلاقه خود شکل داده است و تا زمانی که لازم بداند، از آن محافظت می‌کند و خود اوست که در وقت مقدر عالم را ویران خواهد کرد. همچنین گفته می‌شود که خدایان گوناگون فرزندزادگان او هستند و در عین حال، او خود با همه خدایان دیگر یکی است. پیش از خلقت جهان، رودره هیرنیه گربه^۱ (تخمک زرین، اصل آفرینش) را به وجود آورد. این *اوپنیشد* آشکارا می‌گوید که رودره منشأ و مبدأ کلیه کیفیات متناقض است. براساس این *اوپنیشد*، چیزی جز رودره وجود ندارد و در عین حال، هیچ چیز با او یکی نیست. او آنقدر کوچک است که کوچکتر از آن نمی‌تواند وجود داشته باشد و در عین حال، چنان بزرگ است که بزرگتر از آن نیز وجود ندارد (۳، ۱۰).^۲

بندی از سرود صد و شصت و چهار ریگ *ودا*، در *شوتاشوتیره/اوپنیشد* (سرود چهارم، مندله ششم) نیز دیده می‌شود، که در آن رودره دارنده دو وجه روحانی متفاوت (جیواتمن^۳ و پرماتمن^۴) توصیف شده است و با دو پرنده متفاوت روی یک درخت، که یکی از میوه‌ها می‌خورد و دیگری نمی‌خورد، مقایسه می‌شود. رودره همچنین مَهشوره (لقب ویژه شیوا) یا خداوند بزرگ، و نیز مسلط بر مایا^۵ (طبیعت) که بر همه جهان حاکم است، توصیف شده است.^۶

1. Hiranyagarbha
2. Gonda, J. p. 19.
3. Jīvātman
4. Paramātman
5. Māyā
6. Bhandarkar, Sir R.G., Pp. 106-111.

شیوا در اسطوره‌های هندی

میان /وینیشدها و حماسه مه‌بهارته، که از لحاظ ترتیب زمانی منبع بعدی شناخت شیوا به شمار می‌آید، فاصله چند صد ساله‌ای وجود دارد که در طی آن، دین هندویی بسط و کمال می‌یابد و جایگزین وداگرایی می‌شود.^۱

در اسطوره‌شناسی سنتی هندو، برهما، ویشنو و شیوا به صورت تثلیث هندویی (تری مورتی)^۲ به یکدیگر پیوسته‌اند و به ترتیب خدایان آفرینش، نگهداری و ویرانی شناخته می‌شوند. با وجود این، در روایت‌های گوناگون، شیوا به طور کلی به‌عنوان خدایی یکتا و بالاتر از همه در نظر گرفته می‌شود، در نهایت عهده‌دار آفرینش، نگهداری و نیز ویرانی است. شیوا حتی در زمان /تهروه ودا/ نیز به‌عنوان خدای بزرگ مطرح بوده است.^۳

در پورانه‌ها نیز می‌خوانیم که خدای شیوا در زمان‌های گذشته نیز بسیار مشهور بوده است. از سکنده پورانه^۴ می‌توان دریافت که پرستش کنندگان حتی تصور نمی‌کردند که ویرانی عالم با حضور این خدای مبارک امکان‌پذیر باشد. بنابراین، ویرانی عالم به پوشیده شدن چشمان خدا به‌دست همسرش در حین تفریح آنها نسبت داده شده است. افزون بر این، گفته می‌شود که سه چشم خدا، با خورشید، ماه و آتش یکی است و هنگامی که اینها بدست همسر او (بانو خدای طبیعت) پوشیده می‌شوند، ویرانی عالم خود به خود رخ می‌دهد.^۵

آنچه در بسیاری از اسطوره‌های مربوط به شیوا مطرح است، کشمکشی میان دو جنبه شخصیت او، یعنی زهدگرایی و شهوت‌گرایی اوست. این کشمکش بارها در قالب اخته کردن، نمود پیدا می‌کند.^۶ شیوا، کامه^۷ (خدای عشق شهوانی) را به وسیله آتش چشم سومش، هنگامی که کامه کوشش می‌کرد که مراقبه زاهدانه او را آشفته سازد، به هلاکت می‌رساند. در پی آن پارتوی^۸، دختر هیمالیا، با توبه زاهدانه خود شیوا را شیفته خود می‌سازد و او را وادار

1. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 9.
2. trimurti
3. Bhandakar, p. 104.
4. *Skanda-purāṇa*
5. Siddhatashastree, p. 86.
6. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 9.
7. Kāma
8. Pārvatī

می‌کند تا کامه را به شکلی جدا از جسم دوباره زنده کند. شیوا برای دیدار از جنگل کاج به شکل زاهدی برهنه، آغشته به خاکستر رهسپار می‌شود، اما از این موقعیت برای اغوا یا کوشش در اغوای همسران فرزندان جنگل بهره می‌گیرد، و در پی این عمل، به سبب نفرین فرزندان و یا در نتیجه عمل خودش، اخته می‌شود اندام مردانگی یا لینگای او در زمین ثابت می‌ماند. از این رو، سنگی که به شکل لینگا تراشیده می‌شود، بر روی سنگی که به همان طریق به شکل اندام زنانگی (یونی) تراشیده شده است، موضوع تمثال اصلی پرستش شیوا، و به‌عنوان نمادی دوگانه از قدرت آفریننده و زاهدانه این خدا به کار گرفته می‌شود.^۲

شیوا به سبب قطع کردن پنجمین سر برهما^۳، متهم به گناه بزرگ کشتن یک برهمن گردید و بنابراین باید توبه یا «نذر بزرگ»^۴ (مهاورته^۵) حمل کاسه سر (کپاله^۶) را ادا می‌کرد، که چنین است که زاهدی باید با یک کاسه سر، که کاسه گدایی او است، سرگردان پرسه زند. این نذر بزرگ مبنای صورت اولیه فرقه‌ای خاص به نام کاپالیکه‌ها^۷ یا مهاورتین‌ها^۸ شد که به همین طریق، و برای بخشودگی‌شان در آیین‌های میگساری تتره‌ای ویژه‌ای آن را انجام می‌دادند.^۹

اسطوره‌های فراوان شیوا در مهابهارته، وجود کیش مهم ویژه این خدا را در حدود آغاز تاریخ میلادی نشان می‌دهد، اما متأسفانه شواهد تاریخی روشنی از این کیش، که مربوط به پیش از این تاریخ باشد، چندان زیاد نیست.^{۱۰} در اینجا به توصیف خدای شیوا با توجه به حماسه مهابهارته و برخی از پورانه‌های مهم می‌پردازیم.

1. Himālaya
2. Lorenzen, D., "Śaivism", p.9.
3. Brahma
4. Great Vow
5. mahāvratā
6. kapāla
7. Kāpālikas
8. Mahāvratins
9. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 10.
10. Ibid.

شیوا در مهابهارتَه

گذار از دوره ودایی به دوره حماسی، و پدید آمدن آثار سنسکریت کلاسیک، شکل‌گیری ادبیاتی را در پی داشت که از لحاظ محتویات و شیوه نگارش با آثار پیشین ودایی تفاوت آشکار داشت. فرهنگ برهمنی و کتاب‌های مقدس آن، از دیرباز به طبقه خاص برهمنان اختصاص داشت و از دسترس طبقات پایین جامعه دور بود. از این رو، ناچار ادبیاتی متفاوت از کتاب‌های مقدس برهمنان پدید آمد که در آن، افسانه‌های کهن اساطیری، و عقاید و آراء فلسفی رفته رفته دوانید، در هم آمیخت و سرانجام به صورت حماسه بزرگ مهابهارتَه و اسطوره‌های شبه تاریخی پورانه‌ها درآمد. مهابهارتَه اثری منظوم، دارای صد هزار بند^۱ است، که شیوه نگارش آن یک‌دست نیست و بیانگر آن است که شاعران متعددی در دوره‌های مختلف در سرودن آن دست داشته‌اند. این منظومه کتابی است جامع که کلیه شئون فلسفی و اساطیری و اخلاقی دین هندو را در بر دارد.

موضوع اصلی این حماسه، نبرد میان دو قوم آریایی پاندوها^۲ و کوروها^۳ است. شخصیت‌های این حماسه بارها با خدای شیوا روبرو می‌شوند و از او یاری می‌جویند و این خدا را به عنوان قادر مطلق و یگانه بی‌همتا مورد ستایش قرار می‌دهند. در آغاز بخش «بهیشمه پرون»^۴، کریشنا^۵ به ارجونه^۶ توصیه می‌کند که پیش از نبرد خود، به درگاه دورگا^۷ ادای احترام کند و به نیایش پردازد. ارجونه هم، سرودی را که در آن نام او^۸، مادر سکنده و چندین نام دیگر از ایزدان شیوایی وجود داشت، در ستایش دورگا می‌خواند. در بخش دیگری با نام «وتَه پرون»^۹ می‌بینیم که شیوای تغییر شکل یافته بر ارجونه که برای ریاضت به کوه هیمالیا رفته بود، ظاهر می‌شود و با او به نبرد می‌پردازد، سرانجام ارجونه مغلوب می‌شود و در حالی که خسته بر زمین افتاده است، به درگاه شیوا نیایش می‌کند و سپس در

1. śloka

2. Pāndus

3. Kurus

4. مهابهارتَه به هجده بخش بزرگ (parvan) تقسیم شده است. بیشتر این بخش‌ها به فصل‌های گوناگون و فصل‌ها نیز به

به فصول کوچکتری (adhyāya) بخش شده‌اند. بهیشمه پرون (Bhīṣmaparvan) نام یکی از این بخش‌ها می‌باشد.

5. Kṛṣṇa

6. Arjuna

7. Durgā

8. Umā

9. Vanaparvan

زمین محرابی برای او می‌سازد و گل‌هایی را به نام شنکره^۱ (شیوا) پیشکش می‌کند. در نتیجهٔ این عمل، گل‌های پیشکشی بر روی سر شیوا ظاهر می‌شود و ارجونه در می‌یابد که او، خودِ خداوند شیوا است و خود را به او تسلیم می‌کند. شیوا از این عمل او خشنود می‌شود و هر آنچه ارجونه می‌خواهد به او می‌دهد. در بخش دیگری با نام «درنهٔ پرون»^۲ (فصل‌های ۸۰-۸۱) ارجونه و کریشنا از رویایی سخن می‌گویند که در آن به کوه هیمالیا، محل اقامت شنکره (شیوا) رفته‌اند. آنان در این شهود، سرودی را در ستایش او می‌خوانند که در آن شنکره را خالق عالم، زاده نشده و تغییرناپذیر می‌خوانند و پس از خشنود کردن وی، سلاح قدرتمند پشوپتی را از او درخواست می‌کنند. در پی آن، آنها به دریاچه‌ای که سلاح در آن انداخته شده بود، هدایت می‌شوند و دو مار زهردار را می‌بینند که در همان لحظه به شکل تیر و کمان در می‌آیند و سپس ارجونه آنها را با خود می‌برد. در «سوپتیکه پرون»^۳ (فصل هفتم)، به قدرت شنکره اشاره می‌شود و روایت دیگری دربارهٔ او بیان می‌گردد: زمانی برهمهٔ دوه^۴ (ایزد برهما) به شنکره گفت که دیگر چیزی نیافریند، از آن رو شنکره خود را برای مدتی طولانی زیر آبها پنهان کرد. پس از اینکه در مدتی دراز هیچ آفرینشی رخ نداد، برهمهٔ دوه پرجاپتی دیگری آفرید تا موجودات زیادی را به وجود آورد. هنگامی که این موجودات گرسنه شدند، نزد پرجاپتی رفتند تا آنها را سیر گردانند. پس پرجاپتی هراسان نزد هیرنیه گربه رفت و هیرنیه گربه دو نوع خوردنی آفرید و موجودات گرسنه بدین ترتیب آرام شدند. پس از مدتی، هنگامی که مهادهوه (شیوا) از زیر آبها بیرون آمد و مشاهده کرد که موجودات جدیدی به وجود آمده‌اند و در حال نشو و نما هستند، اندام نرینگی خود را قطع کرد و این اندام او به زمین چسبید. سپس او برای پرداختن به ریاضت به دامنهٔ کوه «مونجه وت»^۵ رفت. در آئوشاسنه پرون^۶ (فصل ۱۴) کریشنا ضمن بیان شکوه و جلال مهادهوه می‌گوید که جامبه وتی^۷ یکی از همسرانش، آرزو دارد که پسری به خوبی پسری

1. Śaṃkara
2. Droṇaparvan
3. Sauptikaparvan
4. Brahmadeva
5. Muñjavat
6. Anuśāsanaparvan
7. Jāmbavatī

روکمینی^۱، همسر دیگر کریشنا، داشته باشد. کریشنا برای رسیدن به چنین آرزویی باید به مهادوه متوسل می‌شد، از این رو به سوی هیمالیا، محل زندگی شیوا روانه شد. در راه اوپه مَنیو^۲ را دید و او از الطاف شیوا بسیار سخن گفت و فهرستی از اشخاص و ایزدانی را برشمرد که شیوا حاجت‌شان را هرچه که بود، برآورده کرده بود و آنها نیز مهادوه را با ریاضت‌های سخت، خشنود ساخته بودند. اوپه مَنیو به تقاضای مادرش، که مهادوه را رقصنده‌ای عریان که پوشش او چهار جهت عالم است، توصیف کرده بود، به ریاضت مشغول شد. در این هنگام مهادوه برای آزمودن او به شکل ایندره ظاهر شد و عطایای بیشماری را به او پیشکش کرد، اما اوپه مَنیو هیچ یک را نپذیرفت و پاسخ داد که تنها الطاف شنکره را می‌پذیرد. در این داستان، اوپه مَنیو از شیوا به‌عنوان خدای یگانه‌ای که اندام نرینگی او توسط انسان پرستیده می‌شود، یاد می‌کند و شیوا و همسرش اوما را آفریدگاران حقیقی موجودات زنده می‌داند و دلیل آن را وجود دو عضو زایایی این دو خدا (لینگا و یونی)، و نه متعلقات خدایان دیگر (مانند چرخ یا سپید مهره) ذکر می‌کند. به درخواست اوپه مَنیو، کریشنا نیز به ریاضت مشغول شد و شیوا و همسرش درست مانند اوپه مَنیو، بر او ظاهر شدند و علاوه بر فرزند دلخواه او، هریک، هشت عطیه گرانقدر نیز به او عطا نمودند.

شیوا در مهابهارته، خدایی قدرتمند، خشمناک و بی‌پروا، و همچنین بخشنده و مهربان است و هنگامی که خشنود می‌گردد از هیچ چیز مضایقه نمی‌کند. او به همراه همسران خود، اوما، پاروتی، یا دورگا، که نام‌های دیگری نیز مانند کالی^۳، کَرالی^۴ و... دارند، زندگی می‌کند و گروهی موجودات با نام گَنه‌ها^۵ (کوتوله‌ها) در اطراف او قرار دارند. مرکب شیوا یک گاو نر است و البته این خدا تمام ویژگی‌های الوهیت بلند مرتبه را دارد. او هنگامی که دست از آفرینش می‌کشد، به‌عنوان یوگی که به تفکر و مراقبه پرداخته است، نشان داده می‌شود. آنچه که در شیواپرستی مورد پرستش قرار می‌گیرد، لینگا یا اندام جنسی مردانه است که نخستین

-
1. Rukmiṇī
 2. Upamanyu
 3. Kālī
 4. Karālī
 5. Gaṇas

بار، در آنوشاسنه پرون^۱ آشکارا به آن اشاره شده است. البته پیش از این می‌بینیم که در سرودی از ریگ ودا، به درگاه ایندره دعا می‌شود که نگذارد پرستندگان شیشنه^۲ (اندام نرینه)، آیین‌های سرودخوانیشان را از بین ببرند (کتاب ۷، سرود ۲۱، بند ۵)، و در جای دیگر در همان کتاب می‌بینیم که ایندره پس از به هلاکت رساندن مردمی که خدایشان شیشنه نامیده می‌شد، ثروت آن شهر را به دست آورده است. در اینجا به احتمال زیاد منظور از آنان که نام خدایشان شیشنه یا اندام جنسی مردانه است، دشمنان آریائیان ودایی می‌باشد. این امر نشانگر آن است که عناصر بومی هندو که پیش از ورود آریائیان به هند وجود داشته، به تدریج در دین آریائیان مهاجم رخنه کرده و به صورتی ترکیبی ظهور یافته است. از آنجا که پرستش شیوالینگا از دیدگاه آریاییان غالب و قدرتمند مذموم و ناپسند بود، کمتر به آن تظاهر می‌شد، و حتی در دوره کوشانی برای نشان دادن شیوا در پشت سگه‌ها از تصویر یک انسان با نیزه‌ای سه شاخه در دست، به همراه نندین^۳ یا گاو نری که مرکب مخصوص او به شمار می‌رفت، استفاده می‌کردند.^۴

شیوا در پورانه‌ها

دین مردم هند از زمان‌های بسیار کهن بر فلسفه‌ای متعالی و ساختار والای اخلاقی مبتنی بوده است. درک این فلسفه و اخلاقیات عالی و رایج برای افراد بی‌بصیرت و کم سواد یا بی‌سواد ممکن نبود و این‌گونه تعلیمات برای توده مردم در قالب افسانه و اسطوره بهتر درک می‌شد. افزون بر این، وجود پورانه‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ عامه، جدا از وداها و آثار ودایی، تا چه حد گسترده، متنوع و فراوان بوده است، و با تقویت روحی مردمان بومی مجال ظهور و رواج یافته است. بسیاری از داستان‌های پورانه‌ها در رابطه با خاستگاه شیوالینگا و پرستش آن، و نیز دیگر جنبه‌های شیواپرستی اند که به شکلی تمثیلی و دو پهلو نگاشته شده‌اند. برای نمونه، در شیوا پورانه^۵ خدای شیوا به صورت ستونی عظیم و بی‌پایان از آتش فروزان در برابر برهما و

1. Anuśāsanaparvan

2. Śiśna-devāḥ

3. Nandin

4. Bhandarkar, Sir R.G. Pp. 112-115; Gonda, J. Pp. 89-90.

5. Śivapurāṇa

ویشنو ظاهر می‌شود تا از ویرانی قریب‌الوقوع عالم جلوگیری کند. داستان اصل و منشأ شیوالینگا، در سکنده پورانه^۱ به گونه‌ای متفاوت آمده است. در این داستان، خدای شیوا به شکل گدایی عریان بر همسران فرزنانگان جنگل ظاهر می‌شود و سرانجام، در پی اغوای آنان مورد نفرین فرزنانگان قرار می‌گیرد و لینگای او قطع می‌شود. در کالیکاپورانه^۲ شیوا به دنبال خودکشی همسر محبوبش ستی^۳، حرکتی وایرنگر را آغاز می‌کند و هنگامی که به حالت عادی باز می‌گردد، خود را قطع عضو می‌کند. در بهاگوتیه پورانه^۴ که متعلق به آیین ویشنویی است و سنت حماسی را دنبال می‌کند، داستان اینکه چگونه دکشه^۵ دختر خود او^۶ را به همسری به شیوا داد و چگونه شیوا در مقابل آیین‌های ودایی سرتعظیم فرود نیامد و سپس توسط دکشه نفرین شد، بیان شده است. در بهاگوتیه پورانه، که اثر موئقی در ویشنوپرستی است، گفته می‌شود که افزون بر واسودوه^۷ (ویشنو)، به درگاه شیوا نیز دعا می‌شده است تا خواسته آنها اجابت شود. در همه این متون، تمثیلی نهفته است که خدای متعالی شیوا را برای عموم مردم محسوس می‌دارد و سبب نزدیکی آنان به او می‌گردد.^۸

مکاتب شیوایی

به نظر می‌رسد که دوران گوپتا آغاز پیدایش فرقه‌های متمایز شیوایی را رقم زده باشد. تنها به پاشوپتیه‌ها^۹ در مهابهارته اشاره شده است و دیگر فرقه‌ها در پورانه‌ها اهمیت پیدا کردند. این فرقه‌ها به طور عمده توسط مرتاضان ایجاد شدند، اما همچنین بعضی از عوام (غیر برهمنان) نیز پیرو این فرقه‌ها بوده‌اند.^{۱۰} سه مکتب بزرگ فلسفی شیوایی عبارتند از: مکتب پرتیه بهیجنا^{۱۱}، که در کشمیر ظاهر شد؛ مکتب شایوه سیدهانته^{۱۲}، که در جنوب

1. *Skanda purāna*
2. *kālikā purāna*
3. *Satī*
4. *Bhāgavata Purāna*
5. *Dakṣa*
6. *umā*
7. *Vāsudeva*
8. *Siddhatashastree*, Pp. 102-108.
9. *Pāśupata*
10. Lorenzen, D., "Śaivism", Pp. 9-10.
11. *Pratyabhijñā*
12. *Śaiva Siddhānta*

هند در میان تامیل‌زبانان پدید آمد و بیشتر آثار آن به زبان تامیل است؛ مکتب ویره شایوه^۱. در متون هندی به فرقه‌های دیگری نیز اشاره شده که در اینجا لازم است به صورت اجمالی تعدادی از این مکاتب و فرقه‌های شیوایی و همچنین اصول اعتقادی آنها شرح داده شوند.

لاکولیشه پاشوپته^۲

در *مهابهارته*، با مکتبی با نام «پاشوپته» روبه‌رو می‌شویم، که بر خدای شیوا متمرکز است که نگهبان حیوانات نامیده شده است.^۳ این فرقه قدیمی‌ترین فرقه شیوایی است و بر اساس بسیاری از *پورانها* و گفته‌های پیروان این فرقه، بنیانگذار آن یکی از مظاهر شیوا موسوم به لکولین^۴ (یعنی گرز به دست) است، که در سواحل بروچ^۵ در غرب هند در اوایل قرن دوم متولد شد. فرقه پاشوپته ظاهراً در اواخر قرن پانزدهم از میان رفته است، اما اصول اعتقادی و اعمال عبادی آن را می‌توان از دو متن باقیماندهٔ مربوط به این فرقه، یعنی *گنه‌کاریکه*^۶ منسوب به هردته^۷ به‌همراه تفسیری متعلق به بهاسروجنه^۸ (قرن دهم میلادی)، و *پاشوپته سوتره*^۹ با تفسیر کاوندینیه^{۱۰} دریافت.^{۱۱}

پاشوپته‌ها تقریباً از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی در بیشتر مناطق جنوب هند دارای نفوذ و قدرت بودند. کالاموکهاها^{۱۲} نیز که فرقه‌ای بسیار نزدیک به این فرقه بودند و بنیان کیش خود را از لکولیشه‌ها می‌دانستند، در همان زمان ادارهٔ بسیاری از معابد و صومعه‌های منطقهٔ کرناٹکه را در جنوب به دست داشتند. زاهدان هر دو فرقه، فعالانه در احیای

1. Viraśaiva
2. Lākulīśa pāśupata
3. Radhakrishnan, S., p. 488.
4. Lakulin
5. Broach
6. *Ganakarika*
7. Haradatta
8. Bhāsarvajña
9. *Pāśupata Sūtra*
10. Kauṇḍīnya
11. Lorenzen, D., "Pāśupatas", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p. 18.
12. Kālāmukhas

شیواپرستی، که در واقع دین جایی و دین بودایی را از جنوب هند محو کرده بود و با ویشنوپرستی رقابت داشت، کوشا بودند.^۱

همه کوشش این فرقه در جهت کشف حقیقت ذاتی شیوا و نشان دادن راهی برای درک ذات او بود. از دیدگاه آنان، خداوند شیوا تنها علت فاعلی جهان است و نه علت مادی آن، و با وجود اینکه از جسم و صورت منزه است، بنا بر ضرورت شکلی به خود می‌گیرد و ظاهر می‌شود. رهایی و نجات در این فرقه از طریق آیین‌های عبادی، ترکیه نفس و آداب آنها، و برخی آیین‌های خاص دیگر مانند آغشتن تن به خاکستر و خواندن اوراد اسرارآمیز و سحرانگیز تحقق می‌یابد. آواز، خنده، رقص و بیان عبارات نامفهوم نیز گویا در امر رهایی و نجات مؤثر است، زیرا بدین وسیله رشته تعلقات می‌گسلد و روح از قید و بند عادات رها می‌شود. از دیگر ویژگی‌های این نظام دینی پرستش لینگا است، که نماد قوه آفرینندگی شیوا می‌باشد. ویژگی‌های سالکان این مسلک، رفتار غیر عادی و دیوانه‌وار آنها خود را به دیوانگی می‌زدند تا مردم آنها را نکوهش کنند و این سرافکنندگی باعث شود که غرور سالکین در هم شکند و نفس سرکش آرام گیرد. آیین‌های عبادی این نظام دینی به طور کلی با آیین‌های برهمنی متفاوت بود. اعمال عجیبی همچون خنده، رقص و آواز که توسط پیروان این فرقه انجام می‌شد با روحیه آیین‌های ودایی متباین، و اصولاً غیر ودایی بود. اساس فلسفی این فرقه، مبانی مکاتب نیایه^۲ و وایشیشیکه^۳ بوده است.^۴

مادهوه^۵ در نیمه دوم قرن ۱۴ میلادی، در اثر خود با نام مجموعه همه مکتب‌ها^۶ سه نظام شیوایی را نام می‌برد: لاکولیشه پاشوپته‌ها، نظام شیوایی، و پرتیه بهیجنا یا نظام بازشناختی. وی در توصیف لاکولیشه پاشوپته‌ها می‌گوید که آنها پنج مقوله‌ای را که شنکره ذکر کرده است، یعنی: کاریه (علت)، کارته (معلول)، یوگا (وحدت)، ویدهی (روش) و دوکپانته (پایان رنج) را اصول اعتقادی پرستش خود می‌دانند.^۷

1. Lorenzen, D., "Pāsupatas", p. 18.

2. Nyāya

3. Vaiśeṣika

4. Frazer, R.W., p. 93.

5. Mādhava

6. Sarva-darśana-Saṅgraha

7. Frazer, R.W., p. 93.

کاپالیکه‌ها^۱ و کالاموکه‌ها^۲

در متنی متعلق به جنوب هند با نام *پریه پورانه*^۳ که به قلم چکیلا^۴ (حدود ۱۱۰۰م) نگاشته شده، آمده است که زاهدی شیوایی از خانه قدیسی در قرن هفتم دیدار کرد و از او خواست که از گوشت تنها پسر خود، برای او غذا بسازد. جانفشانی عاشقانه قدیس به حدی بود که بی‌درنگ سر پسر جوان خود را برید و به همسرش در آماده کردن خوراک از گوشت پسرشان کمک نمود، و حتی در آخر، برای صرف این غذای مخوف به میهمان خود پیوست. در آخرین لحظه، میهمان بی‌رحم ناپدید شد و پسر قربانی شده، دوباره به زندگی بازگشت. این زاهد کسی نبود جز خدای شیوا که برای امتحان کردن جانسپاری او آمده بود. این افسانه از شمار افسانه‌هایی است که به کاپالیکه‌ها یا حاملان کاسه سر (کاپاله) نسبت می‌دهند، فرقه‌ای گمراه که اغلب به مرده دوستی و میگساری متهم می‌شوند.^۵

رامانوجه کالاموکه‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: «طرف نوشیدن آنها مجموعه است و بدن خود را به خاکستر مردگان آغشته می‌کنند و گوشت انسان می‌خورند. آنان برای خود انجمنی دارند و کوزه شرابی را برای پیشکشی به خدا قرار می‌دهند». شنکره در مباحثات خود درباره کاپالیکه‌ها، بیان می‌دارد که شیوا به‌عنوان بهایروه^۶ از طریق قربانی انسانی و نوشیدن شراب پرستیده می‌شد. ماهیت ویده‌ی یا قوانین سلوک کالاموکه‌ها، با قوانین و آداب لکولیشه پاشوپته‌ها یکسان به نظر می‌رسید. البته با رهبری برهمنان، خدایان روستاییان، شیوا (خجسته) شدند و الهه‌های آنها با کالی^۷ یا بهوانی^۸، همسر یا نیروی مؤنث شیوا، یکسان تصورگردیدند. به رهبری برهمنان، قربانی انسان به تدریج از بین رفت و در بیشتر معابد جنوب قربانی‌های خونین جای خود را به پیشکشی‌هایی نظیر گل و مواد خوشبو کننده داد و آیین‌ها و مراسم در دستان روحانیان بومی روستاها قرار گرفت.^۹

1. Kāpālikas
2. Kālāmukhas
3. *Periya Purāna*
4. Cekkilār
5. Lorenzen, D., "Kapalika", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p.19.
6. Bhairava
7. Kālī
8. bhavāni
9. Frazer, R.W., Pp. 91-93.

شایوه سیدهانت^۱

شایوه سیدهانت نظامی قرون وسطایی و با اهمیت در تفکر شیوایی است. این واژه به لحاظ اصولی به گروهی از نوشته‌های الهیاتی به زبان سنسکریت و تامیل در جنوب هند اشاره دارد. این مکتب سمهیتاهای ودایی، اوپنیشدها و نیز بیست و هشت آگمه شیوایی و رودرایی به زبان سنسکریت (قرن هفتم پیش از میلاد) را به عنوان مجموعه متون محوری خود پذیرفته است. هرچند این مکتب خود را از بقیه مکاتب شیوایی متمایز می‌داند، اما علاوه بر ادبیات ذکر شده، ۱۲ تیروموری^۲ و ۱۴ میگنته شاستره^۳ را نیز به عنوان متون مقدس می‌پذیرد.^۴ این فرقه از درون نهضتی عاشقانه، متمرکز در سواحل رودخانه چائووری^۵، آبگیر جنوب شرقی، رشد یافت و توسط ناینارهای (ناینمار)^۶ شیوایی، قدیس - شاعران قرون هفتم تا دهم میلادی رهبری می‌شد، کسانی که سرودهای عاشقانه‌شان به زبان تامیل حتی تا امروز نیز از جایگاهی مهم در ستایش شیوه در این ناحیه برخوردار است.^۷

قدیسان شیوایی تجربه شهودی خود از شیوا را به تصویر کشیدند که موضوعات بنیادین آن توسط تیرومولار^۸ بیان شده است: «فرد جاهل، خدا و عشق را متمایز می‌داند؛ هنگامی که دریابد خدا و عشق یکی است، آنگاه در عشق خداوند می‌آرامد.» او در جای دیگری می‌نویسد، «آنها که به خدا عشق نمی‌ورزند، به بشریت نیز عشقی ندارند.»^۹ آپر^۹ (قرن ۷) از فردی سخن می‌گوید که اعتقاد راسخی به رحمت و عشق خداوند داشته است. شیوا به شکلی لطیف در همه موجودات جای دارد و خود را به عاشقان خود متجلی می‌سازد. همه آنچه که حفظ آن لازم است این است که ذهن شخص با شیوا هماهنگ شود و فرد در عشق خداوند و عبادت او ثابت و پایدار باشد. بنا بر نظر آپر، پرستش درونی^{۱۰} و

1. Śaiva Siddhānta
2. *Tirumurai*
3. *Meykaṇṭasāstras*
4. Dhavamong, Mariasusai S.J., "Śaiva Siddhānta", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p.11; Lorenzen, D., "Śaivism", p. 10.
5. the Cauvery River
6. Nayanars (Nayanmar)
7. Lorenzen, D., "Śaivism", p. 10.
8. *Tirumular*
9. Appar
10. Inward

روحانی^۱ جوهر دین است. بدون عشق شیوا، دانش متون مقدس، آیین‌های ظاهری، و زهدگرایی بی‌فایده است. ورد عرفانی «نمه شیوایه»^۲ که ماهیت چهار ود/ و ذات نام شیوا را بیان می‌دارد، هنگامی که همراه با عبادتی راستین بیان شود، حتی غیر عارفان را نیز رهایی می‌بخشد.^۳

بر اساس شاستره‌ها^۴، سه جوهر حقیقی ازلی وجود دارد: خدا (پتی)، روح (پِشو)، و دام (پاشه)^۵، که انسان را اسیر لذات دیگری می‌کند. شیوا در همه چیز وجود دارد و در عین حال از همه چیز والاتر است. او وجود، آگاهی و بهجت خالص می‌باشد. او علت مؤثر، و شکتی او که مرکب از دانش، عمل و اراده است، عامل وسیله‌ساز در دنیا و نَفَس‌هاست. جایگاه شیوا نسبت به عالم، چون روح به بدن است. همانگونه که چشم‌ها مگر با نور روح نمی‌توانند ببینند، روح نیز جز در پرتو خداوند یارای دانستن ندارد. خدا و نَفَس‌ها یکی هستند، بدین معنا که نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند؛ آنها باهم وجود دارند و عملکرد آنها نیز باهم است. ادوئته یعنی تجزیه‌ناپذیری، نه همانندی؛ از این رو نَفَس، ویژگی متمایز خود را حتی در مرحلهٔ نهایی رهایی حفظ می‌کند.^۶

شیوا پرستی در کشمیر

در کشمیر در قرن نهم میلادی، حکیم وسوگوپته^۷ کیش و آیین جدیدی را مطرح کرد که توسط شاگرد او، کلته^۸ در سپنده سوتره‌ها^۹ یا کاریکه‌ها^{۱۰}، که ادوئته^{۱۱} یا توحید وجودی نظام کشمیر یا تریکه (پتی - پشو - پاشم)^{۱۲} را تعلیم می‌دهد، شرح داده شده است. در این مکتب

1. Spritual

۲. Nama Śivāya: نماز بر شیوا

3. Dhavamong, M. S. J., p. 11.

4. Śāstras

5. pāśa

6. Dhavamong, M. S. J., Pp. 11-12.

7. Vasugupta

8. Kalāṭa

9. Spanda-Sūtras

10. Kārikas

11. Advaita

12. the pati-paśu-pāśam

با نام سَپَنده، نَفَس از طریق تعمقات شدید یوگا، کسب معرفت می‌کند، و بدین سان شهود پرمه- شیوا^۱ (شیوای متعالی) به‌عنوان روح متعالی عالم متحقق می‌شود و روح فردی در جذبۀ آرامش عرفانی فرو می‌رود.^۲

نظام شیوا پرستی کشمیری که ادعا دارد که مبتنی بر آگمه‌های شیوایی است، با عنوان نظام پرتیه بهیجنا^۳ یا تریکه نیز شهرت دارد، و از آنجایی که ایشوره^۴ یا شیوا تنها حقیقت در این نظام است، ایشورادویه - واده^۵ یا شیوادویته^۶ نیز نامیده می‌شود.^۷

پرتیه بهیجنا^۸

نظام پرتیه بهیجنا بخشی از آنچه شیواپرستی کشمیری خوانده می‌شود به شمار می‌آید، و نامی است که برای آشکال وحدت‌گرای شیواپرستی، که تقریباً بین قرون نهم و سیزدهم در کشمیر و دیگر مناطق شمال هند رواج یافتند، به کار می‌رود.^۹

مکتب شیواپرستی کشمیری را از آن رو آیین پرتیه بهیجنا (بازشناسایی) نامیده‌اند که به نظر پیروان این مکتب، رهایی تنها هنگامی که سالک باطن خویش را چون آینه تمام نمای شیوا باز شناسد، میسر می‌گردد. گویا بنیانگذار این مکتب وسوگوپته بود که در قرن نهم میلادی می‌زیست. سنت شیوایی معتقد است که شیوا به طرز معجزه‌آسایی این آیین کهن آباء و اجدادی را، که در معرض اضمحلال و فراموشی بود، به او باز شناساند. وسوگوپته به خواب دید که در کوهستان مهادوه در هیمالیا، به شکل سنگی است که روی آن رساله شیوا/سوتره که بعدها رساله اساسی این کیش شد، حک شده است. وسوگوپته در واقع تفسیر و تعبیری نو از رساله کهن شیوایی ارائه داده است و محتمل است که طریق

1. Parama-Siva
2. Sanderson, Alexis, "Śaivism in Kashmir", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p. 16.
3. Pratyabhijñā
4. Īśvara
5. Īśvarādvaya-vāda
6. Śivādvaita
7. Dyczkowski Mark, S. G., *The Doctrine of Vibration: An Analysis of Doctrines and Practices of Kashmir Shaivism*, Delhi, 2000, Pp. 10-14.
8. Pratyabhijñā
9. Padoux, Andre, "Pratyabhijñā", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 13, p. 17.

اعجاز‌آمیزی که این اثر به وسوگوپته الهام شد، مبین آن باشد که سنت شیوایی خواسته است این طریق بر شیوهٔ نوپردازی این مفسر جسور مهر تأیید زند و او را از گزند کفر و الحاد در امان بدارد.^۱

مکتب شیوایی کشمیری اعتقاد دارد که عالم صورت عینیت یافتهٔ اندیشهٔ الهی است. مراتب هستی جهان و درجات آفرینش، مانند عالم بیداری، عالم رویا و عالم خواب عمیق، تغییرات و دگرگونی‌های یک جوهر یگانه، یعنی ضمیر لایتناهی الهی است که به یک اعتبار، جهانی را می‌آفریند، آن را نگاه می‌دارد و سرانجام آن را باطل می‌سازد و به خود باز می‌گرداند.^۲

شیوا، هم علت فاعلی و هم علت مادی جهان است. شیوا عالم را به یاری نیروهای سحرآمیز خویش (شکتی) می‌آفریند. این نیروها عبارتند از: «نیروی آگاهی» (چیت - شکتی)^۳، «نیروی بهجت بی‌پایان» (آنده - شکتی)^۴، «نیروی اراده» (ایچا - شکتی)^۵، «نیروی معرفت و دانایی» (جنانه - شکتی)^۶، و «نیروی فعالیت» (کریا - شکتی)^۷. شیوا با به کار بستن این نیروها اشیاء را پدید می‌آورد و از، صور کثرات را در صحنهٔ جهان هستی می‌نمایاند و از سوی دیگر به برکت فیض و عنایت بی‌نهایت خود این صور را ابطال می‌کند و به ذات بیکران خود باز می‌گرداند. بدین ترتیب، عالم یک سیوروت، بازپیدایی و دگرگونی دائم است که با نیروی خلاقیت شیوا موجود می‌شود و در بحر فیض بیکران او محو می‌گردد.^۸

ویره شایوه^۹

ویره شایوه (شیواپرستان پهلوان) نهضت دینی هندی است که به‌عنوان فرقه‌ای اصلاح‌طلبانه در دین هندویی، احتمالاً در اواسط قرن دوازدهم میلادی در مناطق مرزی مهارشتره^۱ و

1. Frazer, R. W., p. 93.
2. Lorenzen, D., "Paśupatas", p. 18.
3. cit-śakti
4. ānanda-śakti
5. icchā-śakti
6. jñāna-śakti
7. kriyā-śakti
8. Lorenzen, D., "Paśupatas", p. 18.
9. Vīraśaiva

کرناٲکه^۲ به‌ظهور رسید. این فرقه همچنین با نام لینگا یتَه^۳ (حاملان لینگا) نیز شناخته می‌شود. گفته می‌شود که بنیانگذار این مکتب برهمنی به نام بَسَوَه^۴ یا بَسَوَنَه^۵ (۱۱۰۶-۱۱۶۷) بوده است، هرچند که نقش اصلاح‌طلبانه اصلی آن متعلق به اکتندِه رامایه^۶، هم عصر بَسَوَه می‌باشد.^۷ این فرقه در حال حاضر حدود شش میلیون پیرو دارد که بیشتر در کرناٲکه پراکنده‌اند. ویره شایوه در پی واکنش دراویدیان علیه تسلط برهمنی (و در نتیجه آریایی) به وجود آمد. در این فرقه، عبادت در معابد، قربانی و زیارت کردن به‌عنوان اعمالی بیهوده محکوم شده‌اند. نظام کاست در این مکتب پذیرفته نیست، ازدواج در سن کودکی ممنوع است و بیوه‌ها حق ازدواج مجدد را دارند. با وجود این، تمایل به امتیازات کاست در طی زمان دوباره نمودار شده است.^۸ اعتقاد ویره شایوه‌ها، «ثنویت گرایِ مشروط» است که گونه دیگری از اصل اعتقادی شیواییِ رامانوجه به‌شمار می‌آید.^۹

دیگر فرقه‌های شیوایی

تأثیرات تتره‌ای در شیواپرستی تقریباً از پایان دوره گویتا، یعنی زمانی که این جریان دینی اهمیت یافته بود، شدت گرفت. تتره‌گرایی آمیخته با یوگا، به ویژه هتَهه یوگا^{۱۰}، اصول اعتقادی فرقه قرون وسطایی ناته‌ها^{۱۱} را تشکیل می‌داد که آنها را همچنین سیده‌ها^{۱۲} و یوگی‌های کنهٲه^{۱۳} نیز می‌نامیدند. این گروه به تسلط یوگایی بر ذهن و بدن، و به‌دست آوردن نیروهای جادویی (سیده‌های) ^{۱۴} و نائل شدن به تنویر روحانی به واسطه تسلط بر نیروی «مار درونی» (کوندلینی)^{۱۵} که در وریده‌ها و رشته‌های عصبی (ندی‌ها)^{۱۶} و مراکز یا عقده‌های

1. Maharashtra
2. Karnāṭaka
3. Liṅgāyata
4. Basava
5. Basavanna
6. Ekantada Ramayya
7. Padoux, "Vīraśaivas", A., p. 12.
8. Sanderson, A., p. 563.
9. Padoux, A., p. 13.
10. haṭha-yoga
11. Nāths
12. Siddhas
13. Kanphata
14. siddhis
15. kuṇḍalinī
16. nadis

(چاکراها)^۱ کالبدشناسی فوق جسمانی یوگایی قرار دارد، تأکید می‌کنند. یوگی‌های نته، هنوز وجود دارند، هر چند که تأثیر این فرقه بیشتر به وسیله راه‌یابی هتیه یوگا به جریان اصلی دین هندویی و فراسوی آن ادامه پیدا کرد.^۲

شنکره در شرح خود بر برهمه سوتره (۲. ۲. ۳۷) به فرقه‌ای شیوایی با نام ماهیشوره اشاره می‌کند، که از زمان‌های بسیار دور وجود داشته است. رامنوجه در همین سوتره، که به شمارش او سی و پنجمین سوتره است، این نظام را نظامی معتقد به پشوپتی می‌داند. کشوه-کاشمیرین^۳ نیز این نظام را به‌عنوان پیروان «اعتقاد به پشوپتی» می‌شناسد. شری کتتهه شیوا چاریه^۴ این فرقه را معتقدان به آگمه‌هایی که توسط پرمشوره^۵ یا خدای بزرگ وحی شده است، می‌داند.^۶

منابع

- Avalon, Arthur, *Hymns to the Goddess*, Madras, 1952.
- Bhandarkar, Sir R. G., *Vaiṣṇavism, Śaivism and Minor Religious Systems*, Varanasi, 1965.
- Dandekar, R. N., "Vedās", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Delhi, 2000.
- Dhavamong, Mariasusai S.J., "Śaiva Siddhānta", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Dyczkowski, Mark S.G., *The Doctrine of Vibration: An Analysis of Doctrines and Practices of Kashmir Shaivism*, Delhi, 2000.
- Frazer, R.W., "Śaivism", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburgh, 1980.
- Gonda, J., *Viṣṇuism and Śivaism: A Comparison*, Delhi, 1970.

1. Cākras
 2. Avalon, A., Pp. 3-10.
 3. Keśava-Kāśmīrin
 4. Śrīkaṇṭha-Śivācārya
 5. Parameśvara
 6. Bhandarkar, Sir R. G., p. 119.

- Heesterman, Jan. C., "Brāhmanas and Āranyakas", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Hildebeitel, Alf, "Mahābhārata", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Hopkins, Thomas J. and Hildebeitel, Alf, "Indus Valley Religion", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Keith, A. B., *The Religion and Philosophy of the Veda and Upanishads*, Westport, 1971.
- Kramisch, Stella, "Śiva", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Lorenzen, David, "Kāpālikas", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Lorenzen, David, "Pāśupatas", Mircea Eliade (ed.), *Encyclopaedia of Religion*, New York, 1987.
- Lorenzen, David, "Śaivism", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Padoux, Andre, "Pratyabhijñā", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Preston, James. J., "Godess Worship: An Overview", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, Delhi, 1998.
- Sanderson, Alexis, "Śaivism in Kashmir", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Siddhatashastree, *Śaivism through the Ages*, New Delhi, 1974.
- Zimmer, Heinrich, *Philosophies of India*, New York, 1951.